

# علل جدایی دو کلیسای کاتولیک و ارتدوکس

سید رضا حسینی\*

## چکیده:

بررسی دقیق و بهتر هر دین، نیازمند جست‌وجو در فرق و گروه‌هایی است که در آن دین وجود دارد تا در ورای آن‌ها آموزه‌های دین را مورد نقد و بازبینی قرار دهیم. از این‌رو برای بررسی دقیق دین مسیحیت، نیاز به شناخت فرق آن است، اما از آن‌جا که بررسی تمام فرق‌های مسیحی در این مقاله نمی‌گنجد، به فراخور توان، دو فرقه اول آن، یعنی کاتولیک و ارتدوکس را بررسی کردیم و از آن‌جا که این دو، خود، بحث‌های فراوانی دارند، فقط به بررسی علت جدایی این دو فرقه از هم پرداختیم تا از این رهگذر نسبت به این دین به دیدگاهی جامع برسیم. در این راه، ابتدا به صورت لغوی و اصطلاحی، این دو کلمه را بررسی کردیم و در ادامه، زمینه‌هایی که منجر به جدایی شد و بعد علل اصلی جدایی و در آخر نیز به نتایج این جدایی اشاره کرده‌ایم. امید است توانسته باشیم در این راه قدمی برداریم.

**کلیدواژه‌ها:** کاتولیک، ارتدوکس، جدایی دو کلیسا، آثار جدایی دو کلیسا

\* دانش‌پژوه کارشناسی ارشد ادیان ابراهیمی، جامعه المصطفی ص العالمیه، مجتمع آموزش عالی امام خمینی ره قم.

## مقدمه

شاید یکی از علل تضعیف مسیحیت، پس از دوره‌ای که اوج گرفته بود، جدا شدن کلیسای ارتدوکس از بدنه اصلی مسیحیت باشد. بررسی علل این حادثه می‌تواند برای دانش‌پژوهان در این رشته مفید واقع شود تا دورنمای بهتری از این دین داشته باشند. بدین منظور به بررسی این انشقاق و علل آن می‌پردازیم.

همان‌طور که می‌دانید هر دینی دارای فرقه‌های متعدد است و مسیحیت نیز از این قاعده مستثنا نیست. این دین نیز فرقه‌های زیادی دارد که برخی قدیمی و عده‌ای هم جدید هستند، برخی دارای پیروان زیاد و برخی کم هستند.

در این بین، دو فرقه نمود بیشتری دارد و این دو از بقیه فرق قدیمی‌تر هستند؛ کاتولیک و ارتدوکس. البته مسیحیان، فرقه‌های خود را «کلیسا» می‌نامند، به همین سبب اصطلاح کلیسای کاتولیک و کلیسای ارتدوکس را به کار می‌برند<sup>۱</sup> که مهم‌ترین جدایی بین مسیحیت نیز جدایی همین دو کلیسا بوده است. البته جدایی مورد نظر در این بحث به معنای انفصال بین دو بخش از مسیحیان است و ربطی به اعتقاد ندارد. لذا برای این که بهتر وارد بحث شویم، لازم است دو اصطلاح کاتولیک و ارتدوکس را معنا کنیم.

## معانی لفظی و اصطلاحی

### معنای کاتولیک

واژه کاتولیک (Catholic) در زبان یونانی به معنای «جامع و شامل» است.<sup>۲</sup> علت این نام‌گذاری این است که کاتولیک در دوره تاریخ طولانی‌اش، عناصر مذهبی گوناگونی که با آن‌ها مواجه شده بود را جذب کرد. این عناصر عبارت بودند از: آیین دینی سرّ ملکوت، قوانین رم و ژرمنی، فلسفه افلاطون و ارسطو، مفاهیم تکاملی جدید و بسیاری عوامل دیگر. زیرا در جوهره کاتولیک، این معنی وجود دارد. بنابراین بی دلیل نیست که این آیین به عنوان «مجمع اضداد»<sup>۳</sup> توصیف شده است. در این آیین است که می‌یابیم اعتقاد به سندیت وحی و تفکر فلسفی، دوش به دوش یکدیگر قرار دارند. آزادی قانونی و شرعی، موهم‌پرستی عامیانه و عمیق‌ترین فلسفه مذهبی، مکتب اصالت عقل، عرفان و نمادهای فرهنگی - قومی، برخلاف دیگر کلیساهای، در این کلیسا تا حدودی با هم آمیخته شده است.

پسند

سال دوم - شماره ۲ - بهار و تابستان ۱۳۹۰

۸۶

<sup>۱</sup> توفیقی، حسین، آشنایی با ادیان بزرگ، قم، سمت، چاپ دهم، ۱۳۷۴، ص ۱۹۰

<sup>۲</sup> همو، ص ۱۹۰ و ۱۹۱

<sup>۳</sup> Complexio oppositorum

عنوان رسمی «اکلیسیا کاتولیکا»<sup>۴</sup> این ادعا را که این کلیسا تنها کلیسای جهانی و حقیقی، است نشان می‌دهد. هم‌چنین عنوان «اکلیسیا رومانا»<sup>۵</sup> را نیز برای خود به کار می‌برند. در تصویب‌نامه‌های اعتقادی شورای واتیکان، این کلیسا خود را به عنوان «کلیسای مقدس کاتولیک رم» توصیف می‌کند. کلیسای کاتولیک رم بزرگ‌ترین و جهانی‌ترین کلیساهاست که در تمام کشورها و سرزمین‌ها رایج است. عشای ربانی کاتولیک در همه جا به یک زبان مقدس برگزار می‌شود. همان‌گونه که این کلیسا مرکزش در رم است، دارای ویژگی‌های رومی نیز هست. از زمان پاپ هادریان ششم<sup>۶</sup> (۱۵۲۳-۱۵۲۲) پاپ‌ها همه منحصراً ایتالیایی بوده‌اند و تا بعد از جنگ جهانی دوم، مدرسه کاردینال‌ها بیشتر ایتالیایی را حایز بود.<sup>۷</sup>

این کلیسا بسیار قدیمی است که تاریخ آن به عصر حواریون، یعنی حدود ۲۰۰۰ سال پیش می‌رسد. رهبر کاتولیک‌ها پاپ (Pope یعنی پدر) نامیده می‌شود.<sup>۸</sup>

### معنای ارتدوکس

«(Orthodox) صفتی مرکب از پیشوند orthos به معنای درست و واژه یونانی doxo به معنای عقیده است. هنگامی که این واژه، صفت رفتار و اعتقاد به معنای رسمی، پذیرفته، عادی و صحیح است و اگر برای توصیف شخص به کار رود، به معنای درست آیین و سنتی خواهد بود. اگر واژه Orthodox با حرف بزرگ «O» نوشته شود، نام گروهی از مسیحیان است که در مقطعی از تاریخ، برخی آموزه‌های رایج میان مسیحیان را خروج از آیین دانسته و پای‌بندی به آموزه‌های جایگزین آن‌ها را شرط راست‌کیشی در نظر گرفتند. اختلاف‌های این گروه با دیگر مسیحیان در گذر زمان پررنگ‌تر شد تا این‌که سرانجام به عنوان یک فرقه از دیگر مسیحیان جدا شدند.»<sup>۹</sup>

هم‌چنین اگر ارتدوکس با حرف کوچک نوشته شود به معنای راست‌کیشی است که در این صورت، هر گروهی خود را راست‌کیش و دیگران را بدعت‌گذار می‌نامد که در این صورت همه خود را ارتدوکس می‌دانند.

<sup>۴</sup> Ecclesia Catholica

<sup>۵</sup> Ecclesia Romana

<sup>۶</sup> Hadrian VI

<sup>۷</sup> اینار مولند، جهان مسیحیت، محمد باقر انصاری و مسیح مهاجری، تهران، امیرکبیر، چاپ دوم، ۱۳۸۱، ص ۸۵

<sup>۸</sup> توفیقی، حسین، آشنایی با ادیان بزرگ، قم، سمت، چاپ دهم، ۱۳۷۴، ص ۱۹۰

<sup>۹</sup> ادیب آل علی، سید محمد، پرسش‌ها و پاسخ‌هایی درباره مسیحیت، انتشارات مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، قم، ۱۳۸۵ ص ۱۱۱؛ سایت <http://222bc.org/academic/iran-church-history/s2> به نقل از: بخشنده، حمیده، مسیحیت شرقی، کلیساها، آموزه‌ها و آیین‌های مقدس، فصلنامه هفت آسمان ۲۵، بهار ۱۳۸۴، ص ۱۰۰

«عنوان رسمی کلیسای ارتدوکس عبارت است از «کلیسای شرقی ارتدوکس» که شامل کلیساهایی می‌شود که همگی در دوره‌ای از تاریخ کلیسای سلطنتی بیزانسی در روزگار باستان به وجود آمده‌اند.

امروزه کلیسای ارتدوکس که از کلیساهای متعدد مستقل ترکیب شده که می‌توان گفت گرچه معمولاً با یکدیگر در تماس کامل هستند ولی هر یک از آن‌ها عهده‌دار اداره خودشان هستند. در این کلیساها آداب نماز، اصول اعتقادی و قوانین شرعی مشترک است و نوع واحدی از روحانیت مسیحی را ترویج می‌کنند. اکثر این کلیساها ملی هستند و با زندگی ملت‌های خود همبستگی صمیمانه‌ای دارند.<sup>۱۰</sup>»

قدیمی‌ترین و مقدس‌ترین کلیساهای ارتدوکس عبارتند از: چهار اسقف نشین قسطنطنیه، اسکندریه، انطاکیه و اورشلیم. دو عامل باعث شد که این کلیساهای بزرگ و نیرومند تا حدودی ضعیف شوند: یکی نفوذ اسلام در نقاطی که این کلیسا تحت نفوذ آن بود و دیگری مستقل شدن تعدادی از کلیساهای وابسته به آن‌ها<sup>۱۱</sup>

### مهم‌ترین کلیساهای ارتدوکس

- ۱- اسقف نشین قسطنطنیه و دو پیرو آن، کلیسای فنلاند و چک‌واسلواکی
- ۲- اسقف نشین اسکندریه
- ۳- اسقف نشین انطاکیه
- ۴- اسقف نشین اورشلیم
- ۵- کلیسای روس
- ۶- کلیسای بلغاری
- ۷- کلیسای صربی
- ۸- کلیسای رومانی
- ۹- کلیسای یونانی
- ۱۰- دیگر کلیساهای ارتدوکس مانند فنلاند، استونی، لتونی، لیتوانی<sup>۱۲</sup>

### رشد زمینه‌های جدایی دو کلیسا

ریشه‌های مسیحیت در فلسطین (در شرق دریای مدیترانه) به ویژه شهر اورشلیم قرار دارد، اما در پایان قرن نخست میلادی، این دین در سراسر شرق دریای مدیترانه و حتی در غرب گسترش یافت و به تدریج دو حوزه عمده زبانی و فرهنگی در مسیحیت اولیه پدید آمد؛ مسیحیت شرقی یونانی زبان که مرکز اصلی آن شهر قسطنطنیه (استانبول کنونی) بود و مسیحیت غربی لاتین با مرکزیت اصلی خود در شهر رم.

<sup>۱۰</sup> اینار مولند، جهان مسیحیت، محمد باقر انصاری و مسیح مهاجری، تهران، امیرکبیر، چاپ دوم، ۱۳۸۱، ص ۴۱

<sup>۱۱</sup> همو.

<sup>۱۲</sup> همو، ص ۴۷-۴۵

معمولاً تاریخ جدایی نهایی کلیسای شرق و غرب را سال ۱۰۵۴ میلادی در نظر می‌گیرند که البته عده‌ای نیز تعیین این تاریخ را بی‌معنا می‌دانند، اما این پدیده، پایان فرآیند جدایی‌های پی در پی این دو کلیسا در مدت زمانی طولانی است که سرانجام سبب جدایی کامل آن‌ها شد.<sup>۱۳</sup>

«پیدایش فرقه ارتدوکس قبل از آن که ریشه اعتقادی داشته باشد، منشأ جغرافیایی داشته و حاکی از جدایی است. مهم‌ترین جدایی در تاریخ مسیحیت در اواخر قرن پنجم میلادی، هنگام تجزیه روم به بخش شرقی و غربی، پیش آمد. کلیسای روم مرکز بخش غربی مسیحیت بود و معتقد بود که باید رهبری تمام اسقف‌های جهان را به عهده داشته باشد؛ چون اعتبار خود را از «پطرس رسول» می‌گرفت. مسیحیت شرقی که مهم‌ترین کلیسای آن کلیسای قسطنطنیه بود، پنج مرکز مهم مسیحیت، یعنی اورشلیم، انطاکیه، رم، اسکندریه و قسطنطنیه را از نظر اعتبار و اقتدار برابر می‌دانست.»<sup>۱۴</sup>

از آن‌جا که تاریخ دین مسیحیت و انشعابات آن تا حدودی با تاریخ امپراتوری روم در دوره قدیم و قرون وسطی گره خورده است، اینک برای توضیح این مطلب، لازم است نیم‌نگاهی به تاریخچه دولت قدیم روم بیندازیم. دولت قدیم روم، قبل از دوره قرون وسطی، سه دوره پادشاهی، جمهوری و امپراتوری را پشت سر گذاشت.

۱- دوره پادشاهی حدوداً از سال ۷۵۳ تا ۵۰۰ قبل از میلاد

۲- دوره جمهوری حدوداً از سال ۵۰۰ تا ۲۷ قبل از میلاد (دوره‌ی جمهوری اشرافی)

۳- دوره امپراتوری از سال ۲۷ قبل از میلاد تا سال ۳۹۵ میلادی

در دوره‌ی سوم، امپراتوری روم با دین مسیحیت برخورد داشت. در بیست و پنج سال آغازین دین مسیح که دوره‌ی کلیسای شهادت نام نهادند، مسیحیان با دولت امپراتوری روم درگیر بودند. این‌ها از قوانین دولت و دین رسمی سر بازمی‌زدند و دولت هم با آنان به خشونت رفتار می‌کرد و مسیحیان را می‌کشت.

با اسیر شدن «والریانوس» امپراتور روم در سال ۲۶۰ م توسط ارتش ایران، امپراتوری روم دچار هرج و مرج شد. در سال ۲۸۴ م که «دیوکلسین» امپراتور شد، در صدد و اصلاح حکومت و نظم اجتماعی بر آمد که در نتیجه، امپراتوری را به دو بخش شرقی و غربی تقسیم نمود که این تقسیم مقدمه‌ی تجزیه‌ی امپراتوری شد.

<sup>۱۳</sup> <http://222bc.org/academic/iran-church-history/s2> به نقل از: مک گراث، آلیستر، *درسنامه الهیات مسیحی*، بهروز حدادی، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۴، اول، ص ۲۹ و ۷۳؛ و به نقل از: بخشنده، حمیده، *مسیحیت شرقی، کلیساهای آموزه‌ها و آیین‌های مقدس*، ص ۹۴

<sup>۱۴</sup> ادیب آل علی، سید محمد، *پرسش‌ها و پاسخ‌هایی درباره مسیحیت*، انتشارات مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، قم، ۱۳۸۵ ص ۱۱۱ و ۱۱۲.

در سال ۳۱۳ م به موجب «منشور میلان» توسط امپراتور کنستانتین اول دین مسیحیت آزاد شد. وی این دین را هم طراز با سایر ادیان شناخت و مسیحیان توانستند در حوزه‌ی امپراتوری روم آزادانه فعالیت مذهبی داشته باشند. او شهر بیزانس (قسطنطنیه) را بنا نهاد و در سال ۳۳۰ م پایتخت را از روم به بیزانس منتقل کرد.

امپراتور «تئودوس کبیر» در سال ۳۸۰ م دین مسیح را تنها دین رسمی در قلمرو حکومتی خود شناخت. پس از وفات امپراتور «تئودوسیوس اول» در سال ۳۹۵ م امپراتوری روم به دو کشور شرقی و غربی تجزیه شد؛ در غرب «هونوریوس» و در شرق «آرکادیوس» بر تخت سلطنت نشستند.

امپراتور روم غربی «رومولوس آگوستولوس» در سال ۴۷۶ م، توسط «اودوآکر» سرکرده‌ی گوت‌ها خلع شد و بدین وسیله امپراتوری روم غربی منقرض و قرون وسطی آغاز شد. از این تاریخ به بعد روم اهمیت سیاسی خویش را از دست داد و جنبه‌ی دینی آن اهمیت بیشتری پیدا کرد. از این تاریخ به بعد، حکومت‌های غربی زیر چتر اقتدار کلیسای روم قرار گرفتند. بدین ترتیب تاریخ کلیسا وارد مرحله دیگری شد که از این جا می‌توان گفت بحث جدایی دو کلیسا مطرح می‌شود. زیرا در این نقطه زمانی، کلیسای رم ادعا کرد از بقیه کلیساها برتر است. زیرا «وقتی که عیسی مسیح دستگیر شد، حواریون، عیسی را تنها گذاشتند، جز پطرس حواری که تا لحظات آخر با عیسی بود. بعد از مصلوب شدن حضرت عیسی، «پتر» یا «پطرس» در رأس تشکیلات مسیحیت قرار گرفت. او ارکان کلیسا را بنیان‌گذار. حواریون که مورد آزار یهودیان قرار می‌گرفتند، ناچار به دیار دیگر مهاجرت نمودند. پطرس که رهبری هسته و دسته‌های مسیحی را در دست داشت، به روم هجرت کرد و نخستین کشیش آن شهر شد.<sup>۱۵</sup>

«از آن جا که شالوده کلیسای رم به دست پطرس نهاده شد و پولس برای مدتی معلم و رهبر آن بود، آن کلیسا خود را از سایر کلیساها برتر می‌دید و تفوق آن بر سایر کلیساهای مسیحی تدریجاً مسلم شد. اسقف اعظم آن کلیسا از روی تعظیم، پاپ (پاپاس) خوانده می‌شد و در مراعات و اختلافات بین کلیساها از رأی و فتوای وی پیروی می‌کردند.<sup>۱۶</sup>»

«آموزه حجیت اسقف و کلیسا برای مقابله با بدعت‌ها و به عنوان مرجعی برای تعیین عقاید راست‌کیشی از قرن دوم سامان یافت. آن چه در این آموزه از همان ابتدا برجستگی یافت، برتری اسقف‌نشین رم از سایر اسقف‌نشین‌ها بود. بر این اساس، اسقف رم بر سایر اسقف‌ها تفوق داشت و رأیش بر همه حجت بود.<sup>۱۷</sup>»

<sup>۱۵</sup> نعمت الهی، محمد هاشم، سایت - باشگاه اندیشه - تاریخ: ۱۳۸۷/۰۸/۰۲

<sup>۱۶</sup> فضائی، یوسف، سیر تحولی دینهای یهود و مسیح، چاپ اول، مؤسسه مطبوعاتی عطائی، تهران، ۱۳۶۱ ص ۲۶۸؛ توفیقی،

حسین، آشنایی با ادیان بزرگ، قم، سمت، چاپ دهم، ۱۳۷۴، ص ۱۹۰ و ۱۹۱

<sup>۱۷</sup> سلیمانی اردستانی، عبدالرحیم، مسیحیت، زلال کوثر، قم، چاپ اول، ۱۳۸۱ ص ۱۶۴

تفاوت کلیساها در ابتدا بسیار ناچیز بود و کم پیش می‌آمد که اختلافی به وجود آید. زیرا هم قدرت سیاسی در رم بود و هم قدرت دینی و مسئله تفوق کلیسای رم در بین مردم و کلیساها جا افتاده بود، اما انتقال پایتخت از رم به قسطنطنیه باعث شد این توازن قوا به هم بخورد. با انتقال پایتخت کنستانتین در سال ۳۳۰ میلادی از رم به قسطنطنیه، مسیر جدایی کلیسای شرق و غرب از جهت سیاسی و مذهبی هموار شد.

پس از آن، امپراتور تئودوسیوس در سال ۳۹۵ اداره بخش‌های غربی و شرقی امپراتوری را از هم جدا کرد و در اواخر قرن پنجم، امپراتوری روم در غرب سقوط کرد که نتیجتاً این جدایی کامل شد. زیرا کلیسای شرقی تحت حاکمیت شخص امپراتور بود، اما در غرب به خاطر نبود قدرت سیاسی، پاپ تبدیل به رهبر سیاسی و روحانی شد که قدرت سیاسی را به ارث برده و نقش امپراتور را بازی می‌کرد. این امر سبب شد این دو کلیسا درباره قدرت سیاسی دیدگاه‌های متفاوتی داشته باشند.<sup>۱۸</sup>

### آغاز مخالفت‌ها با پاپ

بحث مخالفت با پاپ‌ها از همان ابتدا در بین اسقف‌ها وجود داشت. زیرا تا قبل از این که آموزه سلسله رسولان مطرح شود، همه در یک سطح قرار داشتند، اما پس مطرح شدن آن، مخالفت‌هایی شد و کم کم رایج گردید، اما این مخالفت‌ها از بین نرفت، بلکه از قرون اولیه تا حدود قرن ششم بعضی اسقف‌های شهرهای بزرگ مخالفت‌ها و مبارزه‌هایی با پاپ‌ها می‌کردند. لذا به آن‌ها «مشایخ کلیساها» می‌گفتند.<sup>۱۹</sup>

اما شروع مخالفتی که مد نظر ما هست از قرن چهارم میلادی است. همان‌طور که گذشت با انتقال پایتخت در سال ۳۳۰ میلادی از رم به قسطنطنیه، کلیسای بیزانس در مقابل کلیسای رم اهمیت زیادی یافت و دم از استقلال و بی‌نیازی از پاپ می‌زد. کنستانتین هم برای محدود کردن قدرت کلیسای رم از این کلیساها حمایت کرده و به تقویت آن‌ها می‌پرداخت. به همین سبب، لقب اسقفان شهرهای اسکندریه، انطاکیه و قسطنطنیه را بطریخ یا پتریارخ (Patriarehe) قرار دادند که به معنای پدر قوم است. زیرا لازم بود این اسقفان لقبی به معنای پاپ داشته باشند. این اعتراضات و مبارزات به قرون بعدی هم جریان یافت و اسقفان به وسیله اظهار عقاید جدید در تفسیر و توجیه مسائل الهیات مسیحی با پاپ رم به مخالفت و مبارزه برخاستند.<sup>۲۰</sup>

۱۸ <http://222bc.org/academic/iran-church-history/s2> به نقل از: کرنز، ارل ای؛ سرگذشت مسیحیت در طول تاریخ، آرمان رشدی،

انتشارات ایلام، ۲۰۰۸م، صص ۱۶۷-۱۶۶

۱۹ فضائی، یوسف، سیر تحولی دین‌های یهود و مسیح، چاپ اول، مؤسسه مطبوعاتی عطائی، تهران، ۱۳۶۱، ص ۲۶۹

۲۰ عبدخدایی، مجتبی، واتیکان (کلیسای جهانی کاتولیک)، تهران، انتشارات بین المللی الهدی، چاپ اول، ۱۳۸۲، ص ۲۸؛

فضائی، یوسف، سیر تحولی دین‌های یهود و مسیح، چاپ اول، مؤسسه مطبوعاتی عطائی، تهران، ۱۳۶۱، ص ۲۷۰ و ۲۶۹؛

سلیمانی اردستانی، عبدالرحیم، مسیحیت، زلال کوثر، قم، چاپ اول، ۱۳۸۱، ص ۱۶۶

در این جا دو مسئله مطرح بود: یکی این که آیا کلیسای رم بر بقیه کلیساها تقدم مطلق دارد و آیا این تقدم به معنای اطاعت کامل از آن است یا خیر؟<sup>۲۱</sup>

«به هر حال، رفته رفته اسقف کلیسای ارتدوکس شرقی قسطنطنیه، اهمیت پیدا کرد تا در سال ۳۸۱ میلادی در کلیسای ارتدوکس شورایی از اسقفان تشکیل شد و در آن، اسقف قسطنطنیه مافوق اسقف‌های بزرگ کلیساهای شرقی (اسکندریه و انطاکیه) قرار گرفت و به عنوان پاپ دوم شناخته شد.»<sup>۲۲</sup>

## علل جدایی دو کلیسا

«اختلاف کلیسای ارتدوکس شرق و کاتولیک رومی از تقسیم‌بندی جغرافیایی و موضوع نسبتاً جزئی هم‌رتبه بودن اسقف اورشلیم و اسقف روم آغاز شد، اما کم کم به برخی مسائل اعتقادی و آموزه‌های مذهبی کشیده شد.»<sup>۲۳</sup>

«اولین سنگ بنای اختلافات این دو کلیسا در شورای جهانی چهارم کلیسا- که در سال ۴۵۱م در شهر کالچه دنیا (غاضی کوی) برگزار گردید- گذارده شد. رقابت کلیسای بیزانس و روم- که منازعه بر سر کسب قدرت بود- با طرح مسئله‌ای کلامی پیرامون ماهیت مسیح، علنی گردید.»<sup>۲۴</sup>

«پس از این واقعه در سال ۸۶۶ میلادی توفیوس پاتریاک قسطنطنیه منشوری برای اسقف‌های شرقی همانند خود نوشت و در آن، پاپ و همراهان غربی او را تکفیر کرد. واکنش پاپ سریع بود و در سال بعد، پاپ نیکولاس اول نامه‌ای به اسقفان امپراتوری غرب نوشت و در آن، این نزاع را به جاهای بسیار دورتری کشاند. در نهایت شقاقی بسیار شدیدتر که هرگز به طور حقیقی علاج نشده است، در سال ۱۰۵۴ میلادی، هنگامی که میخائیل سرولاریوس پاتریاک و لئوی نهم پاپ بود، رخ داد. پاپ فرستاده‌ای را از سوی خود به قسطنطنیه فرستاد تا اتحادی سیاسی بین خود و امپراتور آن زمان، قسطنطین نهم، ایجاد کند. آن فرستاده که نامش کاردینال هامبرت، اهل سیلویا کنديا بود، بی‌درنگ با پاتریاک که مخالف چنان اتحادی بود، برخورد کرد و حکم تکفیر پاتریاک را صادر کرد.»<sup>۲۵</sup>

پاسان

سال دوم - شماره ۲ - بهار و تابستان ۱۳۹۰

۹۲

<sup>۲۱</sup> اف. ئی. پیترز، یهودیت، مسیحیت و اسلام، حسین توفیقی، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۴، ص ۵۲۰-

۵۱۵

<sup>۲۲</sup> فضائی، یوسف، سیر تحولی دین‌های یهود و مسیح، چاپ اول، مؤسسه مطبوعاتی عطائی، تهران، ۱۳۶۱، ص ۲۷۱

<sup>۲۳</sup> ادیب آل علی، سید محمد، پرسش‌ها و پاسخ‌هایی درباره مسیحیت، انتشارات مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، قم، ۱۳۸۵، ص

۱۱۳

<sup>۲۴</sup> عبدخدایی، مجتبی، واتیکان (کلیسای جهانی کاتولیک)، تهران، انتشارات بین المللی الهدی، چاپ اول، ۱۳۸۲، ص ۲۸

<sup>۲۵</sup> اف. ئی. پیترز، یهودیت، مسیحیت و اسلام، حسین توفیقی، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۴، ص ۵۲۰-

۵۱۵



«آخرین اختلافی هم که باعث این جدایی نهایی کلیسای «ارتدوکس شرقی» از «کاتولیک رومی» شد، امری جزئی، یعنی استفاده از نان فطیر در مراسم عشاء ربانی در غرب بود که قسطنطنیه آن را رد می‌کرد.»<sup>۲۶</sup>

«رقابت دو کلیسا تا سال ۱۰۴۶م کمابیش ادامه یافت. پس از تاج‌گذاری امپراتور روم غربی توسط پاپ و تفویض اختیارات کلیسا و حق انتخاب پاپ به امپراتور، رهبران کلیساهای شرقی این اقدام پاپ را خیانت به دستگاه کلیسا دانسته و پاپ را تکفیر نمودند.

امپراتورهای روم شرقی (بیزانس) که در رقابت با پادشاهان روم غربی قرار داشتند و بیزانس را ادامه امپراتوری روم می‌دانستند نیز در راستای قدرتمند شدن خویش از محوریت کلیسای بیزانس به عنوان مرکز مذهبی مسیحیت دفاع کردند و پاپ را مدافع منافع پادشاهان فرانک معرفی نمودند.<sup>۲۷</sup>

«در سال ۱۰۵۴م «میکائیل سرولاریوس»، کلیسای غرب را به دلیل استفاده از نان فطیر در مراسم عشاء ربانی محکوم کرد. متقابلاً هیئت رومی اعلامیه‌ای مبنی بر تکفیر وی و پیروانش بر مذبح عالی کلیسای جامع (سنت سونی) نصب کرد. در عوض میکائیل سرولاریوس که نمی‌خواست عقب مانده باشد، مجمعی ترتیب داد و پاپ روم و پیروانش را لعنت و تکفیر کرد.<sup>۲۸</sup> در پی تکفیر پاپ از سوی کلیسای ارتدوکس، کلیه کلیساهای آئین لاتین (کلیسای رومی) در قسطنطنیه تعطیل گردید و انحراف مذهب کاتولیک رسماً اعلام شد.

در سال ۱۰۵۴م تلاش گسترده‌ای از جانب کنستانتین نهم جهت آشتی دو کلیسا صورت گرفت، اما به نتیجه‌ای نرسید و جدایی این دو مذهب رسماً اعلام گردید و بدین ترتیب مسیحیت به دو مذهب کاتولیک با مرکزیت رم و رهبری پاپ، و ارتدوکس با مرکزیت قسطنطنیه و رهبری اسقف آن کلیسا تقسیم شد.»<sup>۲۹</sup>

«از آن تاریخ به بعد کلیسای کاتولیک رومی و کلیسای ارتدوکس یونانی، هر یک جداگانه راه خود را رفتند. این تکفیر متقابل در دسامبر ۱۹۶۵م به فرمان پاپ پل ششم و پاتریارک آتناگوراس ملغی شد.»<sup>۳۰</sup>

<sup>۲۶</sup> سلیمانی اردستانی، عبدالرحیم، مسیحیت، زلال کوثر، قم، چاپ اول، ۱۳۸۱ ص ۱۶۶

<sup>۲۷</sup> عبدخدایی، مجتبی، واتیکان (کلیسای جهانی کاتولیک)، تهران، انتشارات بین المللی الهدی، چاپ اول، ۱۳۸۲، ص ۲۹ و ۳۰

<sup>۲۸</sup> ادیب آل علی، سید محمد، پرسش‌ها و پاسخ‌هایی درباره مسیحیت، انتشارات مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، قم، ۱۳۸۵ ص ۱۱۵.

<sup>۲۹</sup> عبدخدایی، مجتبی، واتیکان (کلیسای جهانی کاتولیک)، تهران، انتشارات بین المللی الهدی، چاپ اول، ۱۳۸۲، ص ۲۹ و ۳۰

<sup>۳۰</sup> ادیب آل علی، سید محمد، پرسش‌ها و پاسخ‌هایی درباره مسیحیت، انتشارات مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، قم، ۱۳۸۵ ص ۱۱۵.

## اولین گام، مسئله تفوق رم

دانستیم کلیسای روم معتقد است که سرپرستی کلیساهای جهان به عهده اسقفان است و از آنجا که پطرس حواری، رئیس همه حواریان بوده، نیروی روحانی بیشتری نسبت به دیگر حواریون کسب کرد. این نیرو از پطرس به اسقف رم و از آنجا به نسل‌های منتقل شد که به پاپ رسیده است. بنابراین همه اسقفان جهان باید زیر نظر اسقف رم عمل کنند؛ اما کلیسای قسطنطنیه این را قبول نداشته و معتقد است همه حواریون به طور مساوی، از عیسی مسیح نیروی روحانی کسب کرده‌اند. پس برای مسیحیت پنج مرکز وجود دارد که همه از نظر اعتبار و اقتدار برابر هستند؛ اورشلیم، انطاکیه، رم، اسکندریه و قسطنطنیه. با وجود این اختلاف نظر پیرامون قدرت، مسیحیان تابع رم و قسطنطنیه تا قرن نهم با هم متحد بودند.<sup>۳۱</sup>

در قرن پنجم میلادی، زمان پاپ لئوی اول در فاصله سال‌های ۴۴۰ تا ۴۶۱ یکی از شوراهای هفتگانه مهم دنیای مسیحیت واقع شد. او در این شورا چنین اعلام کرد: «چون قدیس پطرس، نخستین رسول عیسی است که بر مردم آمده، کلیسای او نیز در میان همه کلیساهای جهان منزلت اول را خواهد داشت.» او اساس ادعای خود را بر این اصل دینی گذاشت.<sup>۳۲</sup>

این اختلاف ادامه یافت تا این که در سال‌های ۸۶۱ تا ۸۶۷ میلادی مناقشه شدیدی بر سر کنترل کلیسای تازه تأسیس بلغارستان میان شرق و غرب در گرفت که به تکفیرهای متقابل منجر شد، اما با وجود این اختلاف نظر پیرامون قدرت، مسیحیان رم و قسطنطنیه تا قرن نهم، جز در موارد اندک و کوتاه مثل دوره فوتیوس با هم متحد بودند.<sup>۳۳</sup>

## دومین گام، تفاوت دیدگاه‌ها

عامل دوم را می‌توان تفاوت دیدگاه‌های این دو کلیسا نسبت به مسائل الهیاتی دانست. زیرا در کلیسای غرب، افرادی چون ترتولیانوس بودند که به مسیحیت، بیشتر از نگاه قضایی و حقوقی توجه داشتند، اما در شرق، عمده دیدگاه‌ها فلسفی بود.

<sup>۳۱</sup> توفیقی، حسین، آشنایی با ادیان بزرگ، قم، سمت، چاپ دهم، ۱۳۷۴، ص ۱۸۹؛ سلیمانی اردستانی، عبدالرحیم، مسیحیت، زلال کوثر، قم، چاپ اول، ۱۳۸۱ ص ۱۶۷؛ محمد هاشم نعمت الهی، سایت - باشگاه اندیشه - تاریخ : ۱۳۸۷/۰۸/۰۲؛ <http://222bc.org/academic/iran-church-history/s2> به نقل از: میشل، توماس، کلام مسیحی، حسین توفیقی، قم، مرکز مطالعات و

تحقیقات، ادیان مذاهب، ۱۳۸۱، دوم، ص ۱۰۵

<sup>۳۲</sup> احمدی، محمد صادق، تاریخ کلیسا قرن پنجم ۱.

<http://www.pajooh.com/fa/index.php?Page=archiveotherpaper&Subject=35899>

<sup>۳۳</sup> <http://222bc.org/academic/iran-church-history/s2> به نقل از: میشل، توماس، کلام مسیحی، ص ۱۰۶؛ و بخشنده، حمید،

مسیحیت شرقی، تحولات تاریخی، ص ۱۲۳

به نظر غرب، رستگاری فقط با ارتباط یافتن مستقیم با خداوند ممکن بود. بنابراین آن‌ها گناه اولیه و بعد، بخشش و عطوفت الهی را بسیار واضح‌تر از شرقیان بیان می‌کردند و اصرار داشتند برای رهایی باید با خداوند یکی شد. اما در شرق این‌طور نبود، بلکه معتقد بودند برای رسیدن به خدا باید از عالم طبیعت گذشت و وجود فانی و خاکی خود را جدا ساخت. در این راه، اناجیل سرآغاز قانون جدید هستند؛<sup>۳۴</sup> به این معنا که دیدگاه شرقیان، ماورایی و روحی بود و دیدگاه غربیان، بیشتر جنبه مادی داشت.

شرقیان از مبادی و قواعدی که یحیای دمشق بنا کرده بود، تبعیت می‌کردند؛ به این معنا که «ایمان استوار به تجسم خداوند، عقیده حیات در شخص عیسی که به عصر و زمان حاضر به وسیله مقدسات سبوعه و دیگر عبادات منتقل شده و به ما رسیده است و انجام اعمال و مناسک دینی از روی خلوص نیت در کلیسا». در نظر یحیای دمشق، برخلاف مسیحیان غرب، مؤسسات کلیسا اهمیت خاصی دارد؛ یعنی عبادتگاه‌ها صورت محسوس حیات و لطف الهی است که در روی زمین جلوه‌گر شده‌اند.<sup>۳۵</sup>

با این توضیحات، از آن‌جایی که کلیسای شرقی ماهیت مسیح را الهی دانسته و قائل شدند که این دو بعد از ذات مسیح تفکیک ناپذیر است، کلیسای غرب و همراهانش مثل کلیساهای قبطی و ... این اعتقاد را کفرآمیز دانسته و با آن مخالفت جدی کردند. پس از این شورا کلیسای شرق پاتریارک قسطنطنیه را هم‌رده پاپ اعلام کرده و تفوق کلیسای رم را نفی کردند.<sup>۳۶</sup>

### سومین گام، یک عامل سیاسی - اجتماعی به نام اسلام

مسلمانان در قرن هفتم میلادی، سرزمین‌هایی از امپراتوری روم را به تصرف خود درآوردند و طی تعاملات اجتماعی که بین رومیان و مسلمانان به‌وجود آمد، امپراتور روم برای مقابله با تهاجم فرهنگی مسلمانان و جلوگیری از نفوذ اسلام، تصمیم گرفت دست به اصلاحات مذهبی بزند و تغییراتی در آئین مسیحیت ایجاد کند که این امر سبب نارضایتی اسقفان، خصوصاً پاپ گریگوریوس دوم گردید. امپراتور ملاحظه کرد که مسلمانان و حتی بعضی از مسیحیان به کلیسا اعتراض می‌کنند که شما این مجسمه‌ها و تصاویر را می‌پرستید که این، خود بت‌پرستی است. به همین خاطر در سال ۷۲۶ میلادی فرمانی صادر کرد که زانو زدن در برابر تمثال‌ها و تصاویر ممنوع است و در سال ۷۳۰ اعلام

<sup>۳۴</sup> جان بایر ناس، تاریخ جامع ادیان، علی اصغر حکمت، چاپ دوازدهم، ۱۳۸۱، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ص ۶۴۸  
نقل از تاریخ کلیسای مسیحی، والکر، ص ۱۷۳

<sup>۳۵</sup> همو، ص ۶۴۸

<sup>۳۶</sup> عبدخدایی، مجتبی، واتیکان (کلیسای جهانی کاتولیک)، تهران، انتشارات بین المللی الهدی، چاپ اول، ۱۳۸۲، ص ۲۹

کرد که بجز صلیب، هرگونه تصویر و مجسمه‌ای را باید از کلیسا خارج کرده و نابود سازند. او از این طریق به دو هدف می‌رسید:

اول، شبهه مسلمانان برطرف و در مقابل نفوذ آن‌ها سدّی ساخته می‌شد.  
دوم، قدرت کشیشان و پاپ در رم محدود می‌گشت.<sup>۳۷</sup>

این عمل امپراتور، خشم پاپ را برانگیخت. پاپ اعلام کرد که هرگونه نماد قابل دیدن در کلیسا جایز است. این موضع‌گیری پاپ، دخالت در کلیسای شرق به حساب آمد و اختلاف دو کلیسا گسترش یافت.<sup>۳۸</sup>

البته این‌طور نبود که در کلیسای شرق همه با این کار موافق باشند، بلکه آن‌چه باعث شد که این عمل در این‌جا به انجام برسد، قدرت سربازان امپراتور بود و گر نه اسقفانی بودند که با این امر به شدت مخالفت کردند؛ مثلاً یحییای دمشق به طرف‌داری از نقوش و تماثیل برخاست و گفت که این بحث، هیچ ربطی به امپراتور ندارد، بلکه خود سینودها در این موضوع تصمیم‌گیری می‌کنند، از آن‌جا که شوراها دینی این موضوع را جایز دانسته‌اند، پس منعی نباید داشته باشد و همچنین وجه الهیاتی نیز برای این کار مطرح کرد و گفت:

«شوراها دینی در صورت‌های مذهبی تجسم روح القدس را تشخیص داده‌اند، عیناً همان‌طور که خدا (پدر) در پیکر عیسی (پسر) تجسم یافت. از این رو صورت‌های مذکور در عداد مقدسات قرار گرفته‌اند و وسیله نقل و انتقال لطف و مرحمت الهی به مؤمنان می‌باشند و درست شبیه هستند به کتب مقدس؛ یعنی همان منزلت که واژه مذهبی کتاب مقدس برای مؤمنان باسواد دارد، صور و تماثیل برای بیسوادان، همان اثر را دارا می‌باشد و نه تنها صور و تماثیل، بلکه تمام آداب و مناسک و کلمات و مؤسسات کلیسا همه دارای همان درجه و حرمت قدوسی می‌باشند؛ یعنی همه واسطه وسیله انتقال روح الاهی و لطف خداوندی به مؤمنان خواهند بود.»<sup>۳۹</sup>

در سال ۷۸۷ میلادی هفتمین شورای عمومی تشکیل شد و در آن فتوا دادند که تصاویر و نقوش و تماثیل و صلیب و انجیل‌های چهارگانه همه مورد احترام و تقدیس هستند. هرچند عبادت آن‌ها عبادت الهی نیست. البته این آخرین شورایی بود که کلیسای شرق و غرب با هم شرکت کردند.

<sup>۳۷</sup> جان بایر ناس، تاریخ جامع ادیان، علی اصغر حکمت، چاپ دوازدهم، ۱۳۸۱، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ص ۶۴۵ و ۶۴۶؛ <http://222bc.org/academic/iran-church-history/s2> به نقل از: کرنز، ارل ای؛ سرگذشت مسیحیت در طول تاریخ، صص ۱۶۸-۱۶۷

<sup>۳۸</sup> سلیمانی اردستانی، عبدالرحیم، مسیحیت، زلال کوثر، قم، چاپ اول، ۱۳۸۱ ص ۱۶۷ و ۱۶۵ و ۱۶۴؛ فضائی، یوسف، سیر تحولی دین‌های یهود و مسیح، چاپ اول، مؤسسه مطبوعاتی عطائی، تهران، ۱۳۶۱ ص ۲۷۱؛ <http://222bc.org/academic/iran-church-history/s2> به نقل از: کرنز، ارل ای؛ سرگذشت مسیحیت در طول تاریخ، صص ۱۶۸-۱۶۷

<sup>۳۹</sup> جان بایر ناس، تاریخ جامع ادیان، علی اصغر حکمت، چاپ دوازدهم، ۱۳۸۱، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ص ۶۴۶.

همان‌طور که ذکر شد، امپراتور از نیروی نظامی خود استفاده کرد و در شرق فرمان خود را عملی کرد، اما در غرب به جهت دوری، نتوانست حکم را اجرا کند و پاپ هم دستور را عملی نکرد؛ در عوض جلسه‌ای تشکیل داد و در آن فتوایی بر تکفیر امپراتور را صادر کرد. امپراتور برای تنبیه پاپ، ناحیه سیسیل در جنوب ایتالیا را از حکومت او خارج کرد و به پاتریارک یونان داد.<sup>۴۰</sup>

#### چهارمین گام، تقسیم سیاسی امپراتوری روم به شرق و غرب

با این اقدام امپراتور و با توجه به این‌که پاپ در شرف جنگ با قبایل لومبارد در شمال ایتالیا بود، در وضعیت خطرناکی قرار گرفت و ناگزیر از شارل مارتز، حاکم فرانسه درخواست کمک کرد. در این اثنا؛ هم پاپ گریگوریوس دوم و هم شارل مارتز، مردند. پسر شارل مارتز، پپن کوتاه، به ایتالیا لشکر کشید و پادشاه لومباردها را شکست داد و ناحیه روانا را در شمال ایتالیا به پاپ هدیه کرد. کم‌کم پاپ‌ها اراضی وسیعی را در شمال ایتالیا در پشت کوه‌های آلپ به تصرف خود درآوردند و از این طریق ثروت بسیار زیادی به دست آوردند؛ چنان‌که عایدات سالانه آن‌ها یک میلیون دلار تخمین زده می‌شد.

پس از این واقعه با مرگ پپن کوتاه، پسرش شارلمانی به قدرت رسید که توانست غرب اروپا را به تصرف خود درآورد که محدوده آن را چنین ذکر کرده‌اند: «شارمانی، آن سلطان صاحب اقتدار در غرب اروپا امپراتوری وسیعی تحت فرمان خود درآورد که مشتمل بر ممالک فرانسه، شمال شرقی اسپانیا، بلژیک، هلند، قسمت عمده خاک آلمان، اتریش، مجارستان و شمال ایتالیا بود.»

شارلمانی خیلی به کلیسا احترام می‌گذاشت. به همین خاطر در اول سال ۸۰۰ میلادی در روز عید میلاد مسیح، پاپ لئوی سوم تاج امپراتوری را بر سر او نهاد و او را مقدس اعلام کرد. این واقعه باعث جدایی بین مسیحیت گردید؛ زیرا چند سال بعد، امپراتور روم شرقی لقب مقدس را به رسمیت شناخت و از آن زمان امپراتوری به دو قسمت شرقی و غربی تقسیم شد.<sup>۴۱</sup>

#### پنجمین گام، یک عامل اعتقادی به نام Filioque

همراه انشقاق دنیوی و ظاهری، یک شکاف معنوی اصلی نیز مابین شرق و غرب پدید آمد که شرح آن از این قرار است:

چنان‌که گفتیم اوگوستینوس، اصلی را تعلیم داد که روح القدس هم از «اب» و هم از «ابن» متساویاً منبعث می‌شود. در ۵۸۹ میلادی شورایی از زعمای کلیسا در اسپانیا تشکیل گردید و متن این اصل را در اعتقادنامه آتاناسیوسی تحت عنوان و کلمه «فیلیوک» یعنی ابن، گنجانده و اضافه کردند.

<sup>۴۰</sup> همو.

<sup>۴۱</sup> بایر ناس، جان، تاریخ جامع ادیان، علی اصغر حکمت، چاپ دوازدهم، ۱۳۸۱، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ص ۶۴۶

متکلمان و لاهوتیان کلیسای شرق بر این عمل اعتراض کردند و گفتند الحاق این کلمه به معنی نفی مصدریت مطلق از ذات باری تعالی است و در حقیقت انکار قدرت کامل الاهی می‌باشد، ولی پیشوایان کلیسای غرب در مبدأ فیلیوک (Filioque) همچنان ایستادگی نمودند. این کشمکش کلامی چندین قرن بین دو کلیسا معرکه و جدالی شدید برپا ساخت؛ تا آن که عاقبت در سال ۸۷۶ میلادی شورایی از روحانیان در شهر قسطنطنیه تشکیل شده، پاپ را به دو دلیل، یکی فعالیت سیاسی و دیگر علاقه‌مندی به اصل فیلیوک، محکوم به خطا ساخت. در واقع این فتوا حق حکومت مطلق بر کلیسا را از پاپ سلب کرد. بالاخره جدایی و انفصال نهایی قطعی بین دو کلیسا در سال ۱۰۵۴ میلادی به وقوع پیوست. در آن سال پاپ روم، بطرک قسطنطنیه را تکفیر کرد. بطرک نیز پاپ را ملحد دانست و از آن سال دو شاخه کلیسای کاتولیک، هر یک راه دیگری برای خود پیش گرفتند و استقلال یافتند.<sup>۴۲</sup>

### گام آخر، تکفیر اسقفان نسبت به یکدیگر

تا قبل از سال ۱۰۵۴ مراداتی بین دو کلیسای شرق و غرب برقرار بود و همکاری داشتند، اما در این سال پاتریارک قسطنطنیه (۱۰۴۳-۱۰۵۹) کلیسای غرب را به خاطر استفاده از نان فطیر در مراسم عشای ربانی محکوم کرد. پاپ لئوی نهم نیز گروهی را برای بررسی و حل اختلاف به قسطنطنیه فرستاد، اما نه تنها مشکل حل نشد، بلکه به سبب مشاجرات اختلاف نظر تشدید شد که در این موقع، گروه رومی، پاتریارک و پیروانش را تکفیر کرد و در مقابل، پاتریارک هم پاپ رم و پیروانش را لعنت و نفرین کرد. به این ترتیب موضوعی که اصلاً مهم به نظر نمی‌رسید و نسبت به مناقشات قبلی خیلی کم اهمیت‌تر بود، به دلیل داشتن پشتوانه‌ای از مناقشات طولانی که باعث تقویت هم شده بود، دو کلیسا را از هم جدا کرد. از آن زمان، هر کلیسا به راه خود رفت و کاملاً مستقل عمل کرد.<sup>۴۳</sup>

<sup>۴۲</sup> بایر ناس، جان، تاریخ جامع ادیان، علی اصغر حکمت، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوازدهم، ۱۳۸۱، ص ۶۴۷؛ آشنایی با ادیان بزرگ، حسین توفیقی، قم، سمت، چاپ دهم، ۱۳۷۴، ص ۱۸۹ و ۱۹۰؛ مسیحیت، عبدالرحیم سلیمانی اردستانی، زلال کوثر، قم، چاپ اول، ۱۳۸۱، ص ۱۶۷؛ محمد هاشم نعمت الهی، سایت - باشگاه اندیشه - تاریخ : ۱۳۸۷/۰۸/۰۲؛ <http://222bc.org/academic/iran-church-history/s2> به نقل از: کرنز، ارل ای؛ سرگذشت مسیحیت در طول تاریخ، ص ۱۶۷ و میشل، توماس، کلام مسیحی، ص ۱۰۶؛ سیرت‌حلولی دینهای یهود و مسیح، یوسف فضائی، ص ۳۰۱

<sup>۴۳</sup> <http://222bc.org/academic/iran-church-history/s2> به نقل از: کرنز، ارل ای؛ سرگذشت مسیحیت در طول تاریخ، ص ۱۶۸؛ محمد هاشم نعمت الهی، سایت - باشگاه اندیشه - تاریخ : ۱۳۸۷/۰۸/۰۲

## اختلافات ظاهر شده پس از جدایی

پس از جریان جدایی و تکفیر یکدیگر، اختلافات دیگری نیز از دل این جدایی بیرون آمد که به تعدادی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

۱- کلیساهای شرقی به طور قطع مخالف این اصل هستند که مردی به نام اسقف شهر رم، بر تمام جامعه کلیسای مسیح ریاست عالی داشته باشد.

۲- کلیساهای شرقی این عقیده را خطا می‌دانند که حواریان از عیسی متساویاً نیروی روحانی کسب نکرده‌اند و در آن میان فقط پطرس حواری رئیس ایشان گردید. اسقف رم تنها جانشین و خلیفه پطرس است و اسقف‌های اورشلیم و اسکندریه و انطاکیه و هر اسقف دیگری باید زیردست تابع اسقف رم شناخته شود.

۳- کلیساهای شرقی می‌گویند پاپ رم دارای صفت «معصومیت» نیست و ممکن است در مسائل ایمانی و اخلاقی به خطا و اشتباه دچار شود. زیرا چندین نفر از پاپ‌ها را شورای مسیحیان در مواقع متعدد محکوم به فساد عقیده کرده است و پاپ، خود نیز مدعی برتری مقام خود بر شوراهای مذکور نبوده است.<sup>۴۴</sup>

۴- در قضیه ماهیت الهی تصاویر، باز بین شرق و غرب اختلاف جوهری و ایمانی پدید آمد. کلیساهای شرقی، تصاویر مقدس را دارای طبیعت و روح الهی دانستند، در حالی که کلیساهای روم در مغرب به تصویر و تمثال مریم و دیگر قدیسین منزلت بشری می‌دهند.<sup>۴۵</sup>

۵- در کلیسای غرب، مریم را از آن جهت احترام می‌گذارند که مادری است عذرا، دارای احساسات و عواطف مادری نسبت به فرزند خود، در حالی که در کلیساهای مشرق، مریم را مانند مادر خدای تعالی پرستش می‌کنند و او را موجودی فوق بشر می‌دانند که در رحم او بشریت و الوهیت در پیکر جنین عیسی امتزاج و تجسم یافت.<sup>۴۶</sup> او را مانند خدای تعالی پرستش می‌کنند و او را موجودی فوق بشری می‌دانند.<sup>۴۷</sup>

۶- در کلیسای ارتدوکس فرایض دینی از سال ۱۲۷۴ م در هفت چیز خلاصه می‌شود: تعمید، ادای شهادت، مسح با روغن مقدس، تناول، توبه، مسح بیماران و مراسم ازدواج، اما در کلیساهای

<sup>۴۴</sup> بایر ناس، جان، تاریخ جامع ادیان، علی اصغر حکمت، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوازدهم، ۱۳۸۱، ص ۶۵۰؛ پرسش‌ها و پاسخ‌هایی درباره مسیحیت، سید محمد ادیب آل علی، انتشارات مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، قم، ۱۳۸۵ ص ۱۱۵-۱۱۳؛ محمدهاشم نعمت الهی، سایت - باشگاه اندیشه - تاریخ: ۱۳۸۷/۰۸/۰۲

<http://www.tahooranesh.com/tahoorcategory.php?cid=2098&mid=0>

<sup>۴۵</sup> بایر ناس، جان، تاریخ جامع ادیان، علی اصغر حکمت، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوازدهم، ۱۳۸۱، ص ۶۴۹

<sup>۴۶</sup> همو، ص ۶۵۰

<sup>۴۷</sup> ادیب آل علی، سید محمد، پرسش‌ها و پاسخ‌هایی درباره مسیحیت، انتشارات مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، قم، ۱۳۸۵ ص

۱۱۵-۱۱۳؛ <http://www.tahooranesh.com/tahoorcategory.php?cid=2098&mid=0>

کاتولیک بدین قرار است: تمعید، قربانی، توبه، اقرار به مقام روحانی رؤسای دین، تناول، ازدواج و مسح بیماران در حال موت.

۷- مراسم دینی در کلیساهای ارتدوکس به زبان یونانی اجرا می شود. بعد از فتح قسطنطنیه که مرکزیت کلیساهای ارتدوکس به مسکو منتقل شد (در سال ۱۵۸۹) مراسم دینی در آن جا به زبان اسلاوی قدیم اجرا می شود، اما مراسم دینی در کلیساهای کاتولیک به زبان لاتینی اجرا می شود.

۸- کلیساهای شرق (ارتدوکس) تصاویر مقدس را دارای طبیعت و روح الهی می دانند، ولی کلیساهای روم (کاتولیک) به تصاویر مریم و دیگر قدیسن منزلت بشری می دهند.<sup>۴۸</sup>

۹- کاتولیک ها به «قانون ایمان» افزوده اند. آنان می گویند: «روح القدس از پدر و پسر صادر می شود.» و کلیسای ارتدوکس می گوید: «فقط از پدر».<sup>۴۹</sup>

۱۰- در کلیسای شرق، روحانیانی که مقامی کم تر از اسقف دارند، مجاز به ازدواج هستند، ولی در کلیسای غرب، کشیشان و روحانیون از میان افراد مجرد انتخاب می شوند و مجاز به ازدواج نیستند.

۱۱- هم چنین کشیشان در غرب باید صورت خود را بتراشند، اما در شرق باید ریش نگاه دارند.

۱۲- کلیسای کاتولیک بر «بکارت مریم تا پایان عمر» اهمیت ویژه ای قائلند، در حالی که ارتدوکس ها چنین اعتقادی ندارند.

۱۳- منابع و مأخذ اصول اعتقادی ارتدوکس، کتاب و سنت است، در حالی که اصول عقاید کاتولیک، تعالیم رسمی کلیسا را نیز شامل می شود.

۱۴- در هیچ کلیسایی عقیده به مؤثر بودن «رستاخیز حضرت عیسی» در امر «نجات» به اندازه کلیسای ارتدوکس نیست. ... و اراده انسان را هم، علاوه بر فیض خداوند، در نجات، سهیم می دانند.

۱۵- «عشای ربانی» مهم ترین عبادت در مذهب ارتدوکس به شمار می آید و این مسئله به ظاهر جزئی باعث جنجال آفرینی بسیاری شده است. در بخش شرقی برای برگزاری آیین عشای ربانی از نان «ورآمده» و در بخش غربی از نان «ورنیامده و فطیر» استفاده می کردند.<sup>۵۰</sup>

۱۶- کاتولیک ها برزخ، برائت از گمراهی و عدم امکان اشتباه پاپ را قبول دارند، ولی ارتدوکس ها قبول ندارند.

<sup>۴۸</sup> بایر ناس، جان، تاریخ جامع ادیان، علی اصغر حکمت، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوازدهم، ۱۳۸۱، ص ۶۵۰؛  
محمدهاشم نعمت الهی، سایت - باشگاه اندیشه - تاریخ : ۱۳۸۷/۰۸/۰۲

<http://www.tahooranesh.com/tahoorcategory.php?cid=2098&mid=0>

<sup>۴۹</sup> ادیب آل علی، سید محمد، پرسشها و پاسخهایی درباره مسیحیت، انتشارات مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، قم، ۱۳۸۵ ص

<http://www.tahooranesh.com/tahoorcategory.php?cid=2098&mid=0> : ۱۱۳ - ۱۱۵

<sup>۵۰</sup> ادیب آل علی، سید محمد، پرسشها و پاسخهایی درباره مسیحیت، انتشارات مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، قم، ۱۳۸۵ ص ۱۱۳ - ۱۱۵.



۱۷- زبان مقدس نزد ارتدوکس‌ها زبان یونانی است و مراسم عبادی را به این زبان به جا می‌آورند، ولی کاتولیک‌ها به زبان لاتینی.

۱۸- رئیس روحانی فرقه ارتدوکس را به‌طریق «خلیفه» ولی رئیس فرقه کاتولیک‌ها را «پاپ» می‌گویند.

۱۹- آیین عبادی ارتدوکس مفصل و سرشار از اشارات، لباس‌های رسمی و سروده‌های مذهبی است. ممنوعیت استفاده از سازهای موسیقی در کلیساهای ارتدوکس سبب پدید آمدن یک سنت عالی آواز همخوانی و سرود شده است که از صدای انسان به عنوان ابزار پرستش استفاده می‌کند.<sup>۵۱</sup>

## نتایج جدایی

با قطعی شدن جدایی، محدوده‌های عملکرد این دو کلیسا نیز از هم جدا گردید. کلیسای غرب، کشورهای فرانسه، اسپانیا و برخی کشورهای غربی اروپا را در بر گرفت و کلیسای شرق یونان، اروپای شرقی، ارمنیان، حبشی‌ها و ... را شامل شد.

به این دلیل که مرکز کلیسای غرب در ایتالیا بود و زبان لاتینی در آن‌جا رایج بود به «کلیسای لاتینی» نام نهادند و در عوض، کلیسای شرق را به جهت قرار داشتن در یونان، «کلیسای یونانی» گفتند. به همین دلیل کلیسای شرق ترجمه یونانی عهد عتیق (ترجمه سبعینیه) را پذیرفت و کلیسای غرب ترجمه لاتینی (ولگانا) آن را، اما با این وجود از نظر مسیحیان، کلیسای غرب دارای معنویت بیشتری بود. به همین خاطر پیروان بیشتری نیز دارد. کلیسای غرب را «کاتولیک» (Catholic) خواندند که به معنی صاحب دیانت و طریقه جامع است.<sup>۵۲</sup>

با جدا شدن این دو کلیسا از هم، شکل ساختمان کلیساهای‌شان نیز متفاوت از هم گردید؛ به‌طوری که به راحتی شرقی یا غربی بودن کلیسا از بیرون قابل تشخیص است. شکل کلیساهای ارتدوکس، چهار گوش است و در دو سطح قرار دارد. قسمت مرتفع، محل اولیای دین و به منزله‌ی آسمان است و قسمت پایین آن، محل اجتماع آحاد مسیحیان و معرف زمین است، اما شکل کلیساهای کاتولیک در یک سطح قرار دارند. محراب از بنای اصلی جدا نیست.<sup>۵۳</sup> اما با این‌که این دو کلیسا به طور کلی از هم متمایز هستند، در آموزه‌های اساسی مسیحیت مثل مسیح شناسی، انسان شناسی، نجات شناسی و ... با هم اختلافی ندارند. همه اعتقادنامه‌های اولیه را قبول داشته و به آن پای‌بند هستند. به همین دلیل اختلاف آن‌ها مثل اختلافی که کاتولیک با پروتستان دارد نیست و نزدیک‌تر به هم هستند.<sup>۵۴</sup>

<sup>۵۱</sup> <http://222bc.org/academic/iran-church-history/s2> به نقل از: ویور، مری جو؛ درآمدی به مسیحیت، حسن قنبری، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۱، اول، ص ۱۴۳

<sup>۵۲</sup> فضائی، یوسف، سیر تحولی دینهای یهود و مسیح، چاپ اول، مؤسسه مطبوعاتی عطائی، تهران، ۱۳۶۱، ص ۲۷۱؛ پرسش‌ها و پاسخ‌هایی درباره مسیحیت، سید محمد ادیب آل علی، انتشارات مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، قم، ۱۳۸۵، ص ۱۱۲

<sup>۵۳</sup> بایر ناس، جان، تاریخ جامع ادیان، علی اصغر حکمت، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوازدهم، ۱۳۸۱، ص ۶۴۸؛ محمد هاشم نعمت الهی، سایت - باشگاه اندیشه - تاریخ: ۱۳۸۷/۰۸/۰۲

<sup>۵۴</sup> سلیمانی اردستانی، عبدالرحیم، مسیحیت، زلال کوثر، قم، چاپ اول، ۱۳۸۱، ص ۱۶۶

## منابع

۱. حسین توفیقی، آشنایی با ادیان بزرگ، قم، سمت، چاپ دهم، ۱۳۷۴
۲. سید محمد ادیب آل علی، پرسش‌ها و پاسخ‌هایی درباره مسیحیت، انتشارات مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۳۸۵
۳. جان بایر ناس، تاریخ جامع ادیان، علی اصغر حکمت، چاپ دوازدهم، ۱۳۸۱، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی
۴. اینار مولند، جهان مسیحیت، محمد باقر انصاری و مسیح مهاجری، تهران، امیرکبیر، چاپ دوم، ۱۳۸۱
۵. یوسف فضائی، سیر تحولی دینهای یهود و مسیح، چاپ اول، مؤسسه مطبوعاتی عطائی، تهران، ۱۳۶۱
۶. عبدالرحیم سلیمانی اردستانی، مسیحیت، زلال کوثر، قم، چاپ اول، ۱۳۸۱
۷. مجتبی عبدخدایی، واتیکان (کلیسای جهانی کاتولیک)، تهران، انتشارات بین المللی الهدی، چاپ اول، ۱۳۸۲
۸. اف. ئی. پیترز، یهودیت، مسیحیت و اسلام، حسین توفیقی، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۴
۹. محمد هاشم نعمت الهی، سایت باشگاه اندیشه، تاریخ : ۱۳۸۷/۰۸/۰۲
10. <http://222bc.org/academic/iran-church-history/s2>
11. <http://www.pajoohe.com/fa/index.php?Page=archiveotherpaper&Subject=35899>
12. <http://www.tahoordanesh.com/tahoocategory.php?cid=2098&mid=0>

پستال

سال دوم - شماره ۲ - بهار و تابستان ۱۳۹۰